

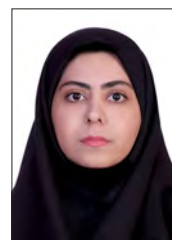
عوامل موثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی با تاکید بر نظریه نمایندگی، نهادی و ارتباطات



مقدمه

حسابرسی داخلی در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های سازمان‌ها در مسائل مالی مطرح شده است. امروزه، حسابرسی داخلی توانسته است با اتکای به موازین علمی و برخورداری از تئوری‌های نوین، اثربخشی خود را در سازمان‌ها بیشتر مطرح کند و سبب شود تا به‌کارگیری حسابرسان داخلی در سازمان‌ها با قوت و شدت بیشتری در جریان باشد. یک واحد حسابرسی داخلی مؤثر، فرایندهایی برای ارزیابی اثربخشی خود دارد و از نتایج حسابرسی‌ها، گرفتن بازخورد از حسابرسان مستقل و سایر ذینفعان برای نظارت بر روندها در طی زمان و دستیابی به بهبود مستمر در رویه‌ها و عملکردشان استفاده می‌کنند. زمانی که واحد حسابرسی داخلی

به‌صورت مؤثر فعالیت کند و در خدمت عملیات و مدیریت سازمان قرار گیرد، می‌تواند کمک بزرگی به سازمان در دستیابی به هدف‌های آن باشد؛ از همین رو، سازمان‌هایی که از واحد حسابرسی داخلی اثربخش برخوردارند، ارزیابی بهتری نسبت به کارایی فرایند مدیریت ریسک و توان فرایند مدیریت ریسک در شناسایی رویدادها، شناسایی ریسک‌ها و درنهایت واکنش مناسب به ریسک‌های شناسایی شده خواهند داشت و در نتیجه چنین سازمان‌هایی خطرهای محیط کسب‌وکار و نیز ریسک‌های درون‌سازمانی را بهتر شناسایی و مدیریت خواهند کرد و بنابراین، اقدام‌های اصلاحی مناسب را به‌منظور بهبود مستمر کسب و کار خود به کار می‌بندند. با این‌حال، برای حفظ و افزایش اعتبار حسابرسی داخلی، مفاهیم



احسان حمزه | حنا آقابالایی بختیار



و بهبود روش‌ها، افزودن ارزش و بهسازی عملیات سازمان، تنها از طریق استقرار یک سیستم حسابرسی داخلی اثربخش در سازمان‌ها، امکان‌پذیر خواهد شد. اندایا و حنیفا^۲ (۲۰۱۳)، ادعا کردند که تحقیقات محدودی دربارهٔ اثربخشی حسابرسی داخلی^۳ انجام‌شده است و تاکنون توافقی در خصوص بهترین چهارچوب برای اثربخشی حسابرسی داخلی وجود نداشته است. در این راستا، بویلی^۴ (۱۹۹۳)، در پژوهش خود طی دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۰، به این مطلب اشاره کرد که تنها ۲۱ مقاله در خصوص موضوع حسابرسی داخلی است و هیچ‌کدام از آنها به اثربخشی حسابرسی داخلی نپرداخته‌اند. این موضوع به‌طور عمده مرتبط با عدم توجه کافی به نظریه‌هایی است که می‌توانند چهارچوب نظری اثربخشی حسابرسی داخلی^۵ را ایجاد کنند (Endaya, Hanefah, ۲۰۱۳)؛ بنابراین، این نکته حائز اهمیت است که به نقش و ویژگی واحد حسابرسی داخلی در تولید ارزش افزوده به‌عنوان یک بخش از اقتصاد جامعه و سازمان باید توجه ویژه‌ای شود.

نظریه نمایندگی^۶

نظریه نمایندگی بر این فرض استوار است که مدیران و سهامداران به‌گونه‌ای منطقی عمل می‌کنند و از قراردادهای برای بهینه‌سازی ثروت خود استفاده می‌کنند. البته نتیجهٔ این فرض می‌تواند به مسئلهٔ خطر اخلاقی منجر شود (Jensen, Meckling, ۱۹۷۶). از آنجاکه ممکن است مدیران در زمان تلاش برای بهینه‌سازی ثروت خود همسو با منافع سهامداران عمل نکنند و از سویی، سهامداران نیز به همهٔ منابع اطلاعاتی

دسترسی ندارند، امکان بررسی سهامداران مبنی بر اینکه آیا اقدامات مدیران در راستای بهینه‌سازی منافع شرکت هست یا نه وجود نخواهد داشت. به‌منظور حل این مسئله که انتخاب ناسازگار نامیده می‌شود و مسئلهٔ خطر اخلاقی برآمده از ناقربندی اطلاعاتی بین سهامدار و مدیر، نیاز به وجود نقش نظارتی، بیش از پیش احساس می‌شود. شرکت‌ها می‌توانند با در اختیار داشتن یک واحد حسابرسی داخلی کارا و اثربخش، احتمال کشف سوء جریان‌های مدیریتی را افزایش دهند و موجب ایجاد مانعی برای مدیران در جهت سوءاستفاده از موقعیت و اختیارات سازمانی آنها شوند. نقش حسابرسی داخلی در فرایند قراردادی شرکت توسط بسیاری از پژوهشگران، احراز شده است. سارنز و عبدالمحمدی^۷ (۲۰۱۱)، در مطالعات خود مشاهده کردند که حسابرسی داخلی نقش مهمی را در ارائهٔ اطلاعات به هیئت‌مدیره که نمایندگان سهامداران هستند، ایفا می‌کند و می‌تواند اثربخشی مدیران را در به‌کارگیری منابع سهامداران ارزیابی کند. در نظریهٔ نمایندگی باوجود تضاد منافع سهامداران و مدیران، سهامداران همواره این دغدغه را دارند که مدیران همسو با بهینه‌سازی منافع آنان عمل نکنند. از این‌رو، برای این‌که بتوانند از اقدامات مدیران در راستای منافع خود اطمینان یابند، هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند. از آنجاکه این هزینه‌ها به‌واسطهٔ انعقاد قرارداد بین مدیران و سهامداران و شکل‌گیری رابطهٔ نمایندگی پدید می‌آیند، هزینهٔ نمایندگی نامیده می‌شوند. وجود رابطهٔ نمایندگی، متضمن ایجاد هزینهٔ نمایندگی است. وجود یک واحد حسابرسی داخلی می‌تواند واکنشی

کارایی و اثربخشی باید مورد بررسی قرار گیرد (ساسانی و اسکندری، ۱۳۹۲). حسابرسی داخلی به‌واسطهٔ تخصصی که از درک ریسک‌های سازمان و کنترل‌های داخلی برای کاهش ریسک‌ها دارد به مدیریت یاری می‌دهد و توصیه‌هایی برای بهبود ارائه می‌کند و سازمان‌های فاقد نهاد حسابرسی داخلی نه‌تنها از خدمات حرفه‌ای حسابرسی داخلی محروم مانده‌اند، بلکه در معرض ریسک آتکا بر مدیریت برای کنترل ریسک هستند (نمازی، ناظمی و برخوردار، ۱۴۰۰). افزون بر این، پیش‌گیری از اخذ تصمیمات ضعیف بر مبنای اطلاعات نادرست و بی‌موقع یا اطمینان بخشیدن از استفاده صحیح از دارایی‌ها، محافظت سازمان در مقابل اثرات عدم رعایت مقررات و آئین‌نامه‌ها، جلوگیری از اشتباهات و تقلبات

پایش‌گرانه به هزینه‌های نمایندگی باشد. در واقع، وجود سازوکار نظارتی حسابرسی داخلی در شرکت، می‌تواند راهکاری اثربخش برای چیرگی بر مسائل نمایندگی باشد (صرّاف و آقابالایی بختیار، ۱۳۹۳) و نیز موجب افزایش شفافیت اطلاعات افشا شده توسط واحد اقتصادی شود. افزون بر این، تعامل مستمر حسابرسان داخلی با اعضای کمیته حسابرسی به‌واسطه بهبود اثربخشی حسابرسی داخلی موجبات تمرکز بر عملکرد سازمانی را فراهم می‌کند (Lal Josh, Karyawati, 2022). در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان بیان کرد که نظریه نمایندگی، نظریه سودمندی است که می‌تواند در ایجاد چهارچوب نظری اثربخشی حسابرسی داخلی کمک کند.

نظریه نهادی^۸

نظریه نهادی به‌عنوان چهارچوبی مفهومی برای توضیح انطباق سازمانی، بیان می‌کند که ساختارهای سازمانی در پاسخ به فشارهای رسمی از طرف سایر سازمان‌ها یا هم‌نمایی با استانداردهای هنجاری بناشده به‌وسیله نهادهای خارجی شکل می‌گیرند

(Wright, Rwabizambuga, 2006). نظریه نهادی اظهار می‌کند که محیط نهادی قواعدی مثل انتظاراتها و هنجارهای اجتماعی ایجاد می‌کند که مقتضیات ساختارها، عملیات، رفتارها و سنت‌های سازمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Scott, 1995). تطبیق با این انتظاراتها و هنجارها برای یک سازمان ضروری است تا این‌که مشروعیت خود را حفظ کند و برحسب آن از دستیابی به منابع کمیاب اطمینان حاصل کند (Heugens, Lander, 2009; Zsidosin, Melnyk, Ragatz, 2005). در مطالعات از نظریه نهادی به‌عنوان چهارچوبی برای شناسایی عوامل محرک وجود حسابرسی داخلی استفاده شده است (Al-Twajiry, Brierley, Gwilliam, 2003). نظریه نهادی برای بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی به‌عنوان یک مفهوم مفید به کار می‌رود (Dimaggio, Powell, 1983). دیدگاه نظریه نهادی، تغییرات عمده سازمانی در پاسخ به سه مکانیسم است که عبارت‌اند از:

۱- هم‌ریختی اجباری^۹ (قهری).

۲- هم‌ریختی تقلیدی^{۱۰}



۳- هم‌ریختی هنجاری^{۱۱}

هم‌ریختی اجباری، مرتبط با انطباق با قوانین و سایر مقررات لازم‌الاجرا است (Lenz, Hahn, 2015)؛ که از جمله آنها می‌توان به استانداردهای حسابداری و قوانین مالی، فشار نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. هم‌ریختی اجباری در زمینه ایجاد واحد حسابرسی داخلی در سازمان، متشکل از آن فشارهایی است که برای ایجاد واحد حسابرسی داخلی اعمال می‌شود زیرا علی‌رغم آن که واحد حسابرسی داخلی کفایت سیستم کنترل داخلی را بررسی می‌کند، در بررسی وسیع اقتصادی بودن، کارآمد بودن و اثربخشی فعالیت‌های سازمان و تأثیر آنها بر عملکرد سازمانی نیز به کار می‌رود. هم‌ریختی تقلیدی، به‌طور اساسی از موفقیت ادراک‌شده سازمان نسبت به فعالیت‌های رقیب نشأت می‌گیرد (Liu et al, 2010). در زمینه حسابرسی داخلی، هم‌ریختی تقلیدی زمانی رخ می‌دهد که یک سازمان، حس کند که وجود حسابرسی داخلی مزایایی برایش به همراه خواهد داشت. هم‌ریختی هنجاری، از گروه‌های حرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد که سعی در تعریف شرایط و شیوه اشتغال خود و مشروعیت بخشیدن به آن را دارند (Emnert, Johansson, 2010). به‌عبارت‌دیگر، هم‌ریختی هنجاری از افزایش در تخصصی شدن سازمان‌ها ناشی می‌شود؛ که از جمله آنها می‌توان به افراد حرفه‌ای و دارای مهارت، جهت‌گیری استراتژیک سازمانی، فرهنگ واحد تجاری و ویژگی‌های سازمانی اشاره کرد. اثربخشی حسابرسی داخلی نیاز به درک مشترک نسبت به آن دارد که چه چیزی باعث می‌شود تا حسابرسی داخلی یک فعالیت ارزش‌افزوده باشد. بدین ترتیب، به



نظر می‌رسد که نظریه نهادی یک نظریه معتبر برای اثربخشی حسابرسی داخلی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است و نیز می‌تواند در ایجاد چهارچوب نظری اثربخشی حسابرسی داخلی، نقش ایفا کند.

نظریه ارتباطات^{۱۳}

ارتباطات، فرایندی است که در آن معنا بین موجودات زنده تعریف می‌شود و به اشتراک گذاشته می‌شود. عدم توانایی برقراری ارتباط مؤثر^{۱۳}، می‌تواند در ارتباط با اطلاعات نامناسب یا پیچیدگی ارتباطات باشد. توسعه مهارت‌های ارتباطی مؤثر به‌عنوان بخش قابل توجهی در پیشرفت حسابرسان داخلی تلقی می‌شود؛ بنابراین، حسابرسان داخلی جهت موفقیت در حرفه خود، نیاز به مهارت‌های ارتباطی مؤثر دارند. دیویدسون^{۱۴} (۱۹۹۱)، استدلال کرد که تمامی حسابرسان و نیز کسانی که بر این باورند که آنها نیاز به مکاتب خوب برای آگاهانه عمل کردن در ارزیابی، بهبود و استفاده از مهارت‌های خود دارند، می‌توانند از دانش مفاهیم ارتباطات فعلی بهره‌مند شوند. نظریه ارتباطات دیویدسون بر مبنای سه حقیقت (اصل) درباره ارتباطات است و عبارت‌اند از:

- ۱- عدم برقراری ارتباط غیرممکن است.
- ۲- ارتباطات، پدیده‌ای چند سطحی است.
- ۳- پیام ارسالی همیشه با پیام دریافتی برابر نیست.

حسابرسان داخلی باید در هر موقعیتی سطح ارتباطات را شناسایی کنند و آگاه باشند که چگونه در هر سطح، ارتباط مؤثری برقرار کنند (Sawyer, Dittenhofer, Scheiner, 2003).

اثربخشی حسابرسی داخلی بستگی به مهارت‌های ارتباطی حسابرسان داخلی با مدیریت شرکت و دیگر کاربران ذینفع از

به این نکته باید توجه کرد که اثربخشی حسابرسی داخلی علی‌رغم آن که می‌تواند تحت تأثیر نظریه نمایندگی، نهادی و ارتباطات، قرار گیرد؛ تحت تأثیر برخی عوامل نیز قرار دارد که این عوامل به‌عنوان عناصر قابل توجه در اثربخشی حسابرسی داخلی هستند؛ از جمله این عوامل که می‌توانند بر اثربخشی حسابرسی داخلی در سازمان، مؤثر واقع شوند، عبارتند از ویژگی‌های حسابرسان داخلی، عملکرد واحد حسابرسی داخلی^{۱۵} و پشتیبانی اعضای سازمان^{۱۶}. افزون‌براین، این موضوع روشن است که آگاهی از عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی حائز اهمیت است؛ زیرا حسابرسی داخلی مؤثر می‌تواند منجر به بهبود چهار فرایند مهم در سازمان شود که از جمله آنها عبارت‌اند از: ۱- یادگیری (آموزش کارکنان به این‌که چگونه کار

نتایج حسابرسی دارد؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که از آنجایی که حسابرسان داخلی به‌عنوان بازوی مدیریت هستند، برقراری ارتباط مؤثر بین حسابرسان و مدیریت برای پیشبرد حسابرسی، امری حیاتی است و این که مهارت‌های ارتباطی می‌تواند به حسابرسان داخلی در بحث در مورد مسائلی همچون ریسک و سیستم‌های کنترل داخلی با مدیریت کمک کند. در نتیجه، استفاده مؤثر از حسابرسی داخلی توسط مدیریت، ضمن افزایش صحت اطلاعات مالی مورد استفاده افراد درون سازمانی و برون‌سازمانی موجب اتخاذ تصمیم صحیح‌تر و مؤثرتر توسط مدیریت می‌شود؛ اتخاذ تصمیم صحیح باعث بهبود عملکرد مدیران و حفظ منافع صاحبان سازمان‌های تجاری می‌شود و در این صورت می‌توان ادعا کرد که حسابرسی داخلی اثربخش است. در هر حال،

خود را بهتر انجام دهند). ۲- انگیزه (حسابرسی هم‌چنین منجر به بهبود عملکرد می‌شود). ۳- عامل بازدارنده (دانستن آن‌که حسابرسی از هر چیزی که می‌تواند منجر به سوءاستفاده شود، ممانعت می‌کند) و ۴- بهبود فرایند (حسابرسی داخلی ممکن است هم‌چنین اطمینان دهد که همه چیز به درستی انجام می‌شود) (Eden, Moriah, 1996). در ادامه برخی از عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از جمله، ویژگی‌های حسابرسان داخلی، عملکرد واحد حسابرسی داخلی و پشتیبانی اعضای سازمان شرح داده می‌شوند.

ویژگی‌های حسابرسان داخلی

ویژگی‌های حسابرسان داخلی اشاره به بی‌طرفی^{۱۷}، ارتباط مؤثر، مهارت و دقت حرفه‌ای^{۱۸} و آموزش و توسعه دارد. بی‌طرفی، برای هر حرفه‌ای که قضاوت حرفه‌ای توسط خود یا از طریق دیگران ارائه می‌کند، امری ضروری است و بدون آن، قضاوت ارزش خود را از دست

می‌دهد و در نظر دیگران بی‌معنا می‌شود. به‌طور کلی نیاز به بی‌طرفی، به‌وضوح در محیط کسب‌وکار و به‌ویژه برای حسابرسان که کاربران خدمات حسابرسی به بخشی از اظهار نظر آنها در زمان اتخاذ تصمیم‌های خود وابسته‌اند، مشهود است (Endaya, Hanifah, 2013). استانداردهای بین‌المللی حسابرسی^{۱۹} ۶۱۰ منتشر شده (۲۰۰۹) توسط فدراسیون بین‌المللی حسابداران^{۲۰}، خواهان آن است که حسابرسان مستقل در هنگام استفاده از کار انجام‌شده توسط حسابرسی داخلی، ارتباط مؤثر را ارزیابی کنند. ارتباط مؤثر به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی محسوب می‌شود. در واقع، حسابرسان داخلی باید به‌منظور تسهیل در درک یافته‌های حسابرسی و انجام مسئولیت‌های خود به‌طور مؤثر و نیز پیشرفت در حرفه خود از مهارت‌های ارتباطی برخوردار باشند. انجمن حسابرسان داخلی^{۲۱} ملزم کرده است که حسابرسان داخلی باید از دانش، توانایی‌ها و سایر ویژگی‌های حرفه‌ای

لازم برای ایفای مسئولیت‌های فردی خود، برخوردار باشند. فعالیت حسابرسی داخلی در مجموع باید از دانش، توانایی و سایر ویژگی‌های حرفه‌ای لازم برای ایفای مسئولیت‌ها برخوردار باشد یا آنها را فراهم کند. وجود کارکنان باتجربه و متخصص در واحد حسابرسی داخلی موجب می‌شود که ارزش‌افزوده حسابرسی داخلی افزایش یابد؛ زیرا از یک‌طرف تجربه این افراد موجب می‌شود که رابطه مناسبی در محیط کار خود با همکاران و سایر کارکنان سازمان برقرار کنند و از طرف دیگر، تخصص این افراد موجب بهبود کیفیت کار حسابرسی داخلی و در نتیجه اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود (پورحیدری، رضایی، ۱۳۹۱).

عملکرد واحد حسابرسی داخلی

منظور از عملکرد واحد حسابرسی داخلی، برنامه‌ریزی، نظارت، اجرای عملیات، مستندسازی و ثبت اطلاعات، گزارش‌دهی یافته‌ها و پیشنهادها و پیگیری پیشنهادهای حسابرسی داخلی است. بهترین مرجع برای ارزیابی عملکرد حسابرسان داخلی، کمیته حسابرسی است. فعالیت اثربخش حسابرسی داخلی در سازمان‌ها موجب بهبود عملکرد کل شرکت می‌شود که این فعالیت اثربخش موجب متقاعد شدن مدیران سازمان‌ها برای استفاده از خدمات حسابرسی داخلی می‌شود (پورحیدری، رضایی، ۱۳۹۱). اشنايدر و ویلنر^{۲۲} (۱۹۹۰)، عملکرد حسابرسی داخلی باکیفیت را مانعی بر قانون‌شکنی و تخطی احتمالی از اصول پذیرفته‌شده حسابداری در گزارشگری‌های مالی می‌دانند. به‌عنوان مثال، زمانی که حسابدار بداند که حسابرسان داخلی



ing 610 (ISA 610).

20- International Federation of Accountants.

21- The Institute of Internal Auditor (IIA).

22- Schneider and Wilner.

منابع و مأخذ

۱- پورحیدری، امید، رضایی، امید، ۱۳۹۱، بررسی عوامل مؤثر بر ارزش افزوده حسابرسی داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۴.

۲- ترجمه صراف، فاطمه، آقابالایی بختیار، حنا، ۱۳۹۳، کاربرد نظریه نمایندگی در توصیف کارکرد حسابرسی داخلی، نویسنده مایکل جی آدامز، مجله حسابداری، ۴۱-۴۴.

۳- ساسانی، علیرضا، اسکندری، قربان، ۱۳۹۲، ارزیابی کارایی و اثربخشی واحد حسابرسی داخلی، مجله حسابرسی، شماره ۶۷.

۴- جوقان، ابوذر اخروی، رحیمیان، نظام‌الدین، قره داغی، مریم، ۱۳۹۷، عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از دیدگاه اعضای کمیته حسابرسی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳.

۵- نمازی، نویدرضا، ناظمی، امین، برخوردار، کتابیون، ۱۴۰۰، بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و ارزیابی نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک کشاورزی، مجله پژوهش‌های حسابرسی، شماره ۲.

6- Al-Twajjry, A. A. M., Brierley, J. A. & Gwilliam, D. R. (2003), "The Development of Internal Audit in Saudi Arabia: An Institutional Theory Perspective", Critical Perspectives

داخلی نیز اتخاذ می‌شود. در این راستا جوقان، رحیمیان و قره‌داغی (۱۳۹۷)، در مطالعه خود ادعا کردند که افزایش ارتباط حسابرسان داخلی موجب افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود.

با توجه به جمیع موارد بیان شده، این استدلال مطرح می‌شود که نظریه نمایندگی، نهادی و ارتباطات، می‌توانند در ایجاد چهارچوب نظری اثربخشی حسابرسی داخلی، نقش ایفا کنند و همچنین، عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از جمله ویژگی‌های حسابرسان داخلی، عملکرد واحد حسابرسی داخلی و پشتیبانی اعضای سازمان نیز می‌توانند به‌عنوان عناصر قابل توجه در اثربخشی حسابرسی داخلی، مؤثر واقع شوند. ■

پی‌نوشت‌ها:

- 1-Internal Audit Function.
- 2-Endaya and Hanifah.
- 3-Internal Audit Effectiveness.
- 4-Boyle
- 5-Theoretical Framework of Internal Audit Effectiveness.
- 6-Agency Theory.
- 7-Sarens and Abdolmohammadi.
- 8-Institutional theory.
- 9- Coercive isomorphism.
- 10- Mimetic isomorphism.
- 11- Normative isomorphism.
- 12-Communication theory.
- 13- Effective communication.
- 14- Davidson.
- 15- Internal Audit Department Performance.
- 16- Organization members support.
- 17- Objectivity.
- 18- Due Professional Care.
- 19- International Standard on Audit-

ممکن است عملکرد گزارش‌گری مالی نادرست را شناسایی کنند، ممکن است در مورد انجام ثبت دفتری سؤال برانگیز (ثبت یک سند حسابداری بدون مدارک و مستندات لازم) درنگ کنند (Prawitt, Smith, Wood, 2009)؛ بنابراین، عملکرد واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان عنصر قابل توجهی برای اثربخشی حسابرسی داخلی است.

پشتیبانی اعضای سازمان

بخش مهمی از نقش کمیته حسابرسی، ارزیابی کردن رابطه مدیر حسابرسی داخلی و تیم مدیریتی است که این رابطه می‌تواند تا حد زیادی تحت تأثیر اثربخشی عملکرد واحد حسابرسی داخلی باشد. به عبارت دیگر واحد حسابرسی داخلی در صورتی اثربخش است که رابطه خوبی با تیم مدیریتی داشته باشد. علاوه بر رابطه کاری خوب بین مدیر حسابرسی داخلی و تیم مدیریت، تیم مدیریتی نیز باید اهمیت متقابلی برای نقش واحد حسابرسی داخلی در سازمان خود قائل باشد. حرفه حسابرسی داخلی افزون بر ارائه خدمات اطمینان‌بخشی عملیات سازمان، به‌عنوان مشارکت‌کننده در امر تفکر استراتژیک به مدیریت ارشد در مواجهه با نیازهای در حال تغییر سازمان، خدمات مشاوره‌ای نیز ارائه می‌دهد (ONAY, 2021). از این‌رو، پشتیبانی مدیریت ارشد و وجود کمیته حسابرسی مؤثر در سازمان می‌تواند موجب اثربخشی واحد حسابرسی داخلی در آن سازمان شود لذا، هنگامی که اعضای سازمان از علاقه و انگیزش پشتیبانی فعالیت‌های حسابرسی داخلی برخوردار باشند، مفهوم اثربخشی حسابرسی

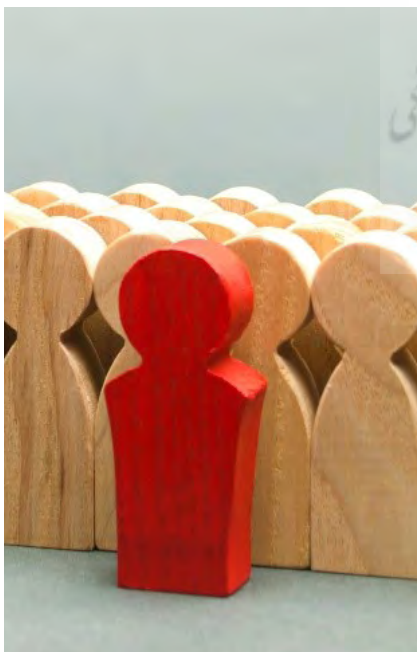
to financial reporting irregularities using the randomized response technique, *The Accounting Review*, 65 (3): 668–681.

23- Scott R. W., 1995, *Institutions and Organizations*. Sage, Thousand Oaks, CA.

24- Wright C., Rwabizambuga A., 2006, *Institutional Pressures, Corporate Reputation, and Voluntary Codes of Conduct: An Examination of the Equator Principles*; *Business and Society review*, 111(1).

25- Zsidisin G. A., Melnyk S. A., Ragatz G. L., 2005, *An institutional theory perspective of business continuity planning for purchasing and supply management*, *International Journal of Production Research*, 43 (16), 2.

احسان حمزه: دانشجوی دکتری
دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه
حنانه آقابالایی بختیار: کارشناس
ارشد حسابداری دانشگاه رجا



3, pp. 305-60.

15- Josh, Prem Lal, Karyawati, Golrida, 2022, *The Institutional Theory on the Internal Audit Effectiveness: The Case of India*, *Iranian Journal of Management Studies*, Vol. 15, No. 1, pp. 35-48.

16- Lenz, Rainer, Hahn, Ulrich, 2015, *A synthesis of empirical internal audit effectiveness literature pointing to new research opportunities*, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 30 No. 1, 2015.

17- Liu H., Ke W., Wei K. K., Gu J., Chen H., 2010, *The role of institutional pressures and organizational culture in the firm's intention to adopt internet-enabled supply chain management systems*; *Journal of Operations Management*. 28.

18- ONAY, Ahmet, 2021, *Factors Affecting the Internal Audit Effectiveness: A Research of the Turkish Private Sector Organizations*, *Ege Academic Review*, vol. 21, pp. 1-15.

19- Prawitt, D. F., Smith, J. L. and Wood, D. A., (2009), *Internal audit quality and earnings management*. *The Accounting Review*, 84 (4): 1255–1280.

20- Sarens, geritt, Abdolmohammadi, mohammad j, 2011, *Monitoring Effects of the Internal Audit Function: Agency Theory versus other Explanatory Variables*, *International Journal of Auditing*, 15:1-20.

21- Sawyer, L. B., Dittenhofer, M. A. and Scheiner, J. H. (2003), *Sawyer's Internal Auditing*, 5th ed., *The Institute of Internal Auditors*, Altamonte Springs, FL.

22- Schneider, A. and Wilner, N., (1990), *A test of audit deterrent*

on *Accounting*, 14(5), 507-531.

7- Boyle, E. J. (1993), *"A Framework for the Modern Internal Audit Function"*, *Advances In Management Accounting*, 2(1), 227-254.

8- Davidson, P. (1991), *"The Great Communicators"*, *The Internal Auditor*, 48(6), 26-31.

9- DiMaggio, P. J. and Powell, W. W. (1983), *"The iron cage revisited: institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields"*, *American Sociological Review*, Vol. 48 No. 2, pp. 147-160.

10- Eden, D, & Moriah, L. (1996). *Impact of internal auditing on branch Bank Performance: A field experiment*, *Organizational Behavior and Human Decision Performance*, 68, 262–71.

11- Emnert, Mikael, Johansson, Niklas, June 2010, *Internal Auditors- what is their role?*, Degree project – Accounting and Auditing, BUSP03, The Department of Business Administration.

12- Endaya, Khaled Ali, Hanefah, Mustafa mohd, 2013, *Internal Audit Effectiveness: An Approach proposition to Develop the Theoretical Framework*, *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol. 4, No. 10.

13- Heugens, P. P. M. A. R., Lander M. W., 2009, *Structure! Agency! (and other quarrels): A meta-analysis of institutional theories of organization*; *Academy of Management Journal*, 52 (1).

14- Jensen, M. C. and Meckling, W. H., 1976, *"Theory of the Firm: Management Behaviour, Agency Costs and Ownership Structure"*, *Journal of Financial Economics*, Vol. 3 No.